

تعدد احزاب تخته خیز سیاسی است نه اجماع ملی

فرصت طلبی احزاب کوچک برای بدست آوردن یک مقام سیاسی

چند روز قبل کنفرانسی با شرکت حزب ائتلاف ملی چهل حزب کوچک با حمایت ده ها جامعه مدنی بر گزار گردید در این گردهمایی روی اصلاحات اساسی انتخابات بحث شد و بالاخره توسط اعلامیه مشترک " اصول رهبردی و پیشنهادی برای اصلاحات انتخاباتی که عبارت از یک انتخابات آزاد، عادلانه است تصویب نمودند و اعلامیه مشترک به تفصیل به رسانه های بیرون و درون مرزی کشور به نشر رسیده است. تشکیل احزاب برای روند سیاسی کشور امریست ضروری و باید احزاب سیاسی در کشور تقویه گردد ولی چهل الی پنجاه حزب سیاسی در یک کشور نوپای دیموکراسی گنجایش آنرا ندارد این احزاب کوچک که تعداد اعضای آن شاید از پنجاه الی صد نفر تجاوز نکند کشور را بیشتر به سوی یک هرج و مرج سیاسی تبدیل خواهد ساخت. در سال 1384 لست احزاب سیاسی که در وزارت عدلیه راجستر و مجوز فعالیت سیاسی گرفته اند به تعداد 82 حزب بود و حال فکر میشود که تعداد احزاب متجاوز از صد تشکیل باشد و لست مکمل این احزاب را در یکپدیا (1) یافته میتوانید ولی اینجا صرف بطور نمونه یک تعداد از احزاب کوچک سیاسی را نام میبریم که توسط اشخاص به حیث رهبر حزب ثبت گردیده: حزب همبستگی ملی جوانان افغانستان، حزب سعادت مردم افغانستان، حزب ارمان مردم افغانستان، حزب حرکت مردم، حزب افغان ملت، حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، حزب کمونست (مائونیست) افغانستان، سازمان رهایی افغانستان، حزب زحمتکشان افغانستان، حزب افغان وطن اسلامی گوند، که یک تعداد از این احزاب صرف یک نام است و تعداد دیگر صیغه آیدیالوژی گذشته و پوسیده را دارد و تعداد دیگر هم بقایای همان رژیم خلق و پرچم است که سابقه فعالیت های مخرب سیاسی آن برای ملت افغانستان معلوم است.

صرف به چهار الی پنج حزب بزرگ در کشور اجازه داده شود که به حیث یک حزب ملی و سازمان یافته اهداف و برنامه سیاسی روشن داشته و وسیله ارتباط میان دولت و ملت را برقرار نماید و مهم ترین ابزارهای پیشرفت و توسعه سیاسی که در راه توسعه مشارکت ملی و سیاسی بشمار بروند و این احزاب و وظیفه دارند که در شکل دادن به خواست های سیاسی ملت سعی نمایند و برای تامین هزینه خویش در مبارزات انتخابی از هزینه دولت، و همچنان موسسات و نهاد های اقتصادی مهض افغانی کمک مالی شوند و باید کمک های که احزاب برای رقابت های انتخاباتی حاصل میکنند باید شفاف و قابل فهم باشد " حزب سیاسی عبارت از بخش پیشرفته و اجتماعی که برای تامین منافع طبقاتی و رسیدن به حکومت و اجرای مرام خود با یک نظام معین مبارزه کرده و طبقه ویژه ای را که این حزب نمایندند آن است در کشمکش های اجتماعی رهبری کند." (2) این گونه احزاب باید در دستگاه قضائی دولت راجستر شوند ولی احزاب کوچکی که بنام اشخاص راجستر شده نه چانس آنرا دارند که در انتخابات سرتاسری کشور برنده شوند و نه از اعتماد سرتاسری کشور بر خوردار اند و گذشته از آن پروسه انتخابات را این احزاب کوچک پرblem بر انگیز ساخته و ملت بیچاره و درد کشیده ما را دچار تردید و بی باوری خواهد ساخت باید دستگاه قضائی کشور بانیست در شرایط راجستر احزاب تجدید نظر کند و مردم هم به این نظر اند که این احزاب کوچک نه تنها صیغه قومی و پیوند فرقه ای دارند بلکه امکان آن میرود که تحت نفوذ و سئو استفاده کشور های خارجی قرار داشته باشند.

بطور عموم احزاب برنامه های کاری خود را زیر عنوان منفعت عامه ابراز و این پروگرام ها را در راه تامین منافع عمومی می دانند مخاطبین احزاب ملی همه مردم اند و میکوشند برنامه های سیاسی و اجتماعی را برای همه طبقات جامعه در نظر گرفته به مرحله اجرا گزارند، برخلاف دسته های گروهی، منفعت طلب و یا گروهی قومی و قبیلوی بدنبال تحقق خاص و مقطعی میباشد منافع عمومی و ملی در قاموسی سیاسی شان نیست.

نخست مهم است که حزب تعریف شود: احزاب سیاسی یکی از پدیده های است که تعریف واحدی از آن وجود ندارد شاید این امر ناشی از ابهام در کارکرد آن باشد از میان تعریف های مختلفی که به یک حزب سیاسی داده شده تعریف ذیل را میتوان جامع دانست: "حزب عبارت از گروهی از افراد که بخاطر اهداف مشترک، اصول، برنامه ها، استراتژی و خط مشی های مشترک در درون یک سازمان مشخص به منظور رسیدن به اهداف مشترک گردهم آمده اند یعنی حزب تشکلی از افراد اند که دارای باور های سیاسی مشترک به منظور شرکت در اداره امور کشور با هم تعامل و همکاری میکنند. باید یک حزب دارای اهداف، برنامه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بطور سازمان یافته باشد و مهم ترین هدف تمامی احزاب عبارت از کسب قدرت سیاسی است" (3). اعضای این احزاب اگر واقعا علاقه به یک جریان منسجم سیاسی داشته باشند بانیستی در چهار یا پنج حزب بزرگ که با آیدیالوژی شان نزدیکی دارد بپیوندند. این پنج حزب باید دارای یک ظرفیت فکری باشد و منافع ملی

کشور را توسط یک برنامه سیاسی تعریف کنند و خطوط اساسی سیاست خارجی این حزب بطور مشخص تعیین شود .
شخصیت پرستی و مصلحت گرایی در این احزاب مردود شود.

در این اواخر ما در افغانستان شاهد ائتلاف های متعدد میان احزاب سیاسی میباشیم ائتلاف تغیر و امید با ده حزب سیاسی و چند نهاد اجتماعی و اعضای شورای ملی یک جا شده به ائتلاف ملی تغیر نام داد و حزب دیگر حزب حق و عدالت است و این دو حزب پروگرام سیاسی و اجتماعی مشخص داشته و از حمایه مردمی بر خوردار اند و اشخاص با دانش و تحصیل کرده عضویت این دو حزب را نیز بدست آورده اند و سخنگویان این دو حزب در دستگاه های نشراتی صوتی و دیداری مرتب ظاهر گردیده و خط مش سیاسی خویش را برای معلومات جامعه ما توضیح میکنند . مسئولین هر دو حزب ادعا میکنند که اعضای فعال این احزاب از نهاد های سیاسی ، شخصیت های ملی ، عالما ی دینی ، سران قومی ، دانشمندان و نخبه گان علمی و فرهنگی با یک سازمان منظم و تشکیل یافته و برنامه های کاری مشخص سیاسی و جدید وارد فعالیت سیاسی شده اند . امید است که کار گزاران اصلی این حزب با وجود عدم تجانس و سخنییت فکری اتحاد این احزاب از هم پاشیده نشوند . بانیست فعالان این حزب ماهیت های دینی ، مذهبی و بافت سنتی خویش را کنار گذاشته حوصله و تحمل پذیریش جریان های مختلف را داشته باشند و مفهوم و افعی یک حزب ملی را درک کرده باشند.

1- لست احزاب سیاسی را میتوان در ویکیپدیا در گوگل دریافت

2- ویکی چدیا دانشنامه آزاد

3- احزاب سیاسی مدرن، از قربان علی هادی